

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نقش فرهنگی تجمع اربعین حسینی

مقدمه

انسان می تواند همه صفات و کمالات الهی را به دست آورد تا به مقام قرب الهی و جانشینی خدا در زمین برسد. پیام آوران الهی آمده اند تا زمینه های این جانشینی را در وجود انسان فراهم آورند. بی تردید اگر انسان بر اساس فرهنگ الهی تربیت نشود، در همان مرتبه حیوانی باقی خواهد ماند.

باید گفت بشر برای تکامل باید با تمام فرهنگ ها در تعامل باشد.

دین اسلام بر اساس نخستین آیات نازل شده بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت، یعنی کسب علم و دانش از یک سو و تعالی روح و کمال انسانی {عَلَّمَ الْأِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ} (علق: ۵) از سوی دیگر تأکید می کند که هر دو از عناصر اصلی فرهنگ سازی هستند.

یکی از اهداف مهم دین و بعثت انبیا: فرهنگ سازی و احیای ارزش های انسانی است. دین اسلام نیز در احکام عبادی، اجتماعی و سیاسی خود، در پی احیای فرهنگ انسان ها با کمک آئین هاست.

آئین ها و برنامه های دینی از ابتدای خلقت بشر، در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها مؤثر بوده اند. تا آنجا که فیلسوفان دین، متکلمان، روانشناسان، جامعه

شناسان دین، مردم شناسان، تاریخ پژوهان و نظریه پردازان علوم ارتباطات می کوشند تا از نگاه خود خواستگاه این آئین ها، مفاهیم نهفته در آن گفتارها و طرز برگزاری آنها را با دقت بررسی کنند (اریک دبلیو رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

در این میان برخی مراسم دینی مانند اربعین جنبه آئینی دارند و هویت و فرهنگ جامعه را در طول زمان حفظ می کنند و می توانند فرهنگ نسل های آینده را کنترل کنند.

امروزه بالاترین هدف هر کشوری توسعه فرهنگ است و برای پیشرفت باید هدفی متعالی داشت. بنابراین دغدغه متفکران یک جامعه بالا بردن فرهنگ جامعه و در نتیجه میزان باور مردم به ارزش هاست.

تجمع اربعین می تواند مباحث اخلاقی شیعه را به دنیا صادر کند. این سرمایه بزرگ مکتب شیعی در ارتقاء فرهنگ جهانی بسیار مؤثر است. همان گونه که مقام معظم رهبری در این زمینه می فرمایند:

چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیا و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟ چرا باید شرم کنیم از اینکه غیرت و حمیت صحیح و ایستادگی در مقابل قدرت های باطل را به صورت درس عملی به ملت های دیگر ارائه و تعلیم بدهیم؟ (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۷).

در این نوشتار برآنیم تا آثار این مراسم، در فرهنگ افراد و انتقال پیام های فرهنگی را بررسی کنیم.

در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین علیه السلام همان هدف رسالت نبی اکرم (ص) دانسته شده است؛ که آثار فرهنگی قیام امام حسین علیه السلام در آن بسیار پررنگ است.

تجمع بیدارگرانه و استکبارستیز اربعین، روایتی مستند و بشردوستانه را از تشیع به جهان مخابره می کند و فرصتی برای نمایش اوج انسجام اجتماعی است. شاید کمتر واقعه ای را بین تمام ادیان می توان یافت که با وجود تنوع شرکت کنندگان چنین وحدت بخش باشد.

تئوری پردازان و اندیشمندان غربی، به ویژه صاحب نظران علوم اجتماعی با طرد دین باوری و آئین های آسمانی می کوشند تا انسان را جایگزین خداوند، و علم را جایگزین دین کنند و مذهب را معلول ترس و جهل بشری بدانند و آن را افیون ملت ها معرفی، و دوران مکاتب آسمانی را پایان یافته تلقی نمایند (نوید، ۱۳۷۵، ص ۵). درحالی که ارتباط بین فرهنگ ها و تعامل میان آنها با نوعی ارتباط آئینی شکل می گیرد. در واقع هدف ارتباط آئینی، تعامل با دیگران به سبب غنای فرهنگی است.

یکی از چالش های فرهنگ های سنتی در عصر مدرنیته، پیشرفت فناوری و توسعه وسایل ارتباطی فرهنگ های پوچ مدرن است که نقش زیادی بر افکار

عمومی دارد. این امر سبب شده که کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع خود در دیگر نقاط جهان از این فناوری ها بهره های فراوان ببرند (شاه محمدی، ۱۳۸۵، ص ۳۴)، ولی برخی کشورها با استفاده از قدرت رسانه، به فرهنگ و باورهای شیعیان حمله کرده اند تا پیام های فرهنگی تجمع آئینی اربعین به شکل مطلوب به مردم دنیا معرفی نشود. این در حالی است که اکنون آئین ارتباطی اربعین، شناسنامه شیعه در تمام دنیاست و می تواند با تمام هجمه های فرهنگی مقابله کند.

اکنون که با هجمه فرهنگی دشمن علیه شیعه و ارزش های اخلاقی آن روبه رو هستیم، لزوم انجام پژوهش در زمینه اربعین که یک رسانه گویا در ترویج تشیع است، بیشتر احساس می شود.

این تحقیق با استفاده از روش کیفی و مشاهده مستقیم صورت گرفته است.

تعریف مفاهیم

۱- فرهنگ

فرهنگ فارسی معین واژه «فرهنگ» را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است. واژه فرهنگ در پهلوی ساسانی، به صورت «فره هنگ» آمده است که از دو جزء «فره» به معنای پیش و فرا و هنگ به معنای کشیدن و راندن، ساخته شده است. در نتیجه «فرهنگ» را پیش کشیدن و فرا کشیدن معنا می کنند. به همین سبب،

فارسی زبانان فرهنگ را سبب پیشرفت می دانند. اصطلاح فرهنگ معانی و مفاهیم گوناگونی دارد. در سیر تاریخی آن به معنایی چون: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت، شکوهمندی، هنر، حکمت، شاخه درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی برمی خوریم.

پارسونز در کتاب مقاله ای درباره نظریه جامعه شناختی، فرهنگ را این چنین تعریف کرده است: «فرهنگ عبارت است از آن الگوهای مربوط به رفتار و نتایج کنش انسان که ممکن است به ارث رسیده باشد. به عبارت دقیق تر، مستقل از ژن های زیستی، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود» (Parsons, 1949, p. 8). فرهنگ نه از راه وراثت که با آموزش، به نسل بعدی منتقل می شود. گروهی از جامعه شناسان بر این باورند که فرهنگ، تفکر جمعی جامعه است که در پدیده ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می یابد و بر تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی اثر می گذارد.

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «بنده بارها مکرر تأکید کرده ام که باید شکل نظام و روح و محتوای نظام را از اسلام بگیریم، نه از مکاتب بیگانه؛ فرهنگ هایی که خواسته اند حرف و فکر و راه آنها رایج شود» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۷).

بنابراین، برخورد منفعلانه با مسائل فرهنگی کشور، سبب تضعیف و حذف آنها خواهد شد؛ عقب نشینی از آرمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی و ایجاد بستری مناسب برای حملات ضد فرهنگی دشمن از پی آمدهای این برخورد منفعلانه است.

در این تحقیق، مفهوم فرهنگ عبارت است از: مجموعه منسجمی از عناصری نظیر باورها، ارزش ها و هنجارها که توسط غالب افراد جامعه پذیرفته شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد.

۲- فرهنگ پذیری

دوران کودکی انسان، از دیگر موجودات طولانی تر است. خانواده و اعضای آن، گروه مرجع فرزندان در کسب ارزش ها، آداب و الگوهای زندگی به شمار می روند. فرزند در خانواده با هنجارها و شیوه های زندگی آشنا می شود و خود را برای زندگی در محیط های اجتماعی بزرگ تر آماده می سازد. آداب و فرهنگ گذشتگان، با رفتارهای اعضای خانواده به فرزند منتقل می شود.

فرهنگ پذیری، یعنی انتقال رفتارها، ارزش ها، آداب و رسوم و زبان، از جامعه خودی و نسل حاضر که از طریق آموزش و نهادهای آموزشی رسمی و به طور آگاهانه (از طریق تربیت والدین و خانواده) یا ناآگاهانه (از راه دیدن و شنیدن و برخورد با آموزه های فرهنگی) صورت می گیرد.

واژه یکپارچگی هم اغلب در تئوری فرهنگ پذیری استفاده می شود و شامل حضور اجتماعی فرد در یک محیط است. بر این اساس لازم نیست کاملاً همسان شویم تا به فرهنگی نو و یکپارچه برسیم. برای یکپارچگی در درون جامعه، شاید حضور در رویدادهای اجتماعی، نیاز به وقت مؤثر باشد. فرآیندهای یکپارچگی طولانی است که با هم نوایی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی یک جامعه شکل می گیرد.

۳- تَجْمُع

به معنای به هم پیوستن، گردآمدن، جمع شدن، ازدحام کردن، گروه، جماعت، دسته، تجمع، تشکل، ائتلاف، جمعیت، انجمن است (دهخدا، ۱۳۳۶، ج ۳۹، ص ۱۳۵). تجمع، شامل مجموعه ای منسجم از افراد بهره مند از روابط نزدیک و مناسبات اجتماعی بر پایه شماری از مشترکات، به ویژه حس تعلق به هویتی مشترک است.

۴- آیین

آیین در لغت به معنای رسم، عادت، متداول، مرسوم، شیوه، کردار، قاعده، قانون، زینت، تشریفات، نهاد، فطرت و جشن آمده است (همان، ماده آیین). آیین ها، از جمله عناصر محسوس فرهنگ به شمار می روند که فرصتی مناسب برای تجلی دیگر عناصر فرهنگی و تکریم مقدسات هستند.

واژه آیین در ابتدا به معنای آداب و رسوم بود و سپس به معنای رسوم دینی به کار گرفته شد. از این رو، می توان گفت برگزاری مراسم آیینی، نوع خاصی از رفتارند که از سوی جامعه پذیرفته شده اند و به گونه ای ارتباط افراد آن جامعه را با امور قدسی و معنوی برقرار می کنند (محمدی، ۱۳۷۹، ص ۳۵).

مفهوم آیین شیوه رسمی از کنش است که به جای تأکید برکنش ابزارگرایانه فنی، برکنش نمادین تأکید می کند و نسبتی مهم در نظم اجتماعی دارد (رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

آیین، نظام ارتباطی پر قدرت است و تنها یک اندیشه صرف نیست، بلکه یک کنش است. آیین می تواند شیوه انجام کنش اجتماعی در انجام امور یا یک ویژگی مربوط به سبک کنش اجتماعی باشد (همان، ص ۳۲).

آیین در تعریف دورکیم، عملی مرتبط با امر قدسی است که افراد جامعه آن را ارزشی و بسیار جدی می دانند (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۷-۱۵). با تحقیق در ادیان گوناگون می توان دریافت که آیین، امری قدسی و فراطبیعی، و اصول مشترک تمامی آنهاست؛ به گونه ای که پیامبر هر دین، خود را فرستاده آن موجود مقدس می داند و اندیشه های آن دین را در قالب پیام هایی از جانب او به مردم ابلاغ میکند.

منسک بر وزن مفعول مصدر میمی از ماده نسک به معنای عبادت و مناسک جمع منسک به معنی فرائض و عبادات است. چنانچه آیه شریفه (لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مُنْسِكًا لَهُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ) (حج: ۹۷) اشاره دارد که تمامی امت های گذشته به شیوه خود عبادت می کردند.

در فرهنگ دینی، برخی مناسک افزون بر جنبه تقرب الی الله، آثار و پیامدهای سیاسی اجتماعی نیز دارد. این مناسک که بزرگداشت آنها در حکم زنده نگاه داشتن دین است را شعائر الهی می نامند که اربعین حسینی از جمله آنهاست. (وَمَنْ يَعْظُمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ) (حج: ۳۲). این بزرگداشت ها، مراسم ویژه ای دارد که آن را مناسک آیینی می دانند. بنابراین، مناسک آیینی، وسیله اجرایی کردن آموزه ها و دستورات دینی و مذهبی در هر جامعه ای است. از آنجا که این دستورات، اغلب شامل تعالیم اخلاقی و تعدیل کننده رفتار اعضای یک جامعه است، به روشنی می توان جایگاه و نوع رابطه آیین را با دیگر عناصر جامعه شناختی تبیین کرد.

۶- اربعین

اربعین به معنای چهل و چله است. شیعیان چهل روز پس از عاشورا (بیستم صفر) را اربعین گویند (دهخدا، ۱۳۳۶، ص ۱۶۳۶). واژه اربعین از اصطلاحاتی است که در متون دینی، حدیثی و تاریخی کاربرد زیادی دارد و بسیاری از امور، با این عدد و واژه، تعریف شده اند (آیتی، ۱۳۸۹، ص ۵۶). مثلاً در قرآن درباره جایگاه عدد چهل آمده است «مِقات» موسی با پروردگارش، طی چهل روز

حاصل شده است. در نقل است که، حضرت آدم، چهل شبانه روز بر روی کوه صفا در حال سجده بود. درباره بنی اسرائیل هم چنین آمده که برای استجابت دعای خود، چهل شبانه روز ناله می کردند (محدث نوری، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۳۹).

یکی از مهم ترین دلایل بزرگداشت اربعین سیدالشهدا، روایت مرسله ای از امام حسن عسکری علیه السلام است که نشانه های مؤمن را پنج چیز دانسته که یکی از آنها زیارت اربعین است.

امام صادق علیه السلام، محبوب ترین وسیله تقرب بنده به خداوند را زیارت خانه او با پای پیاده و آن را برابر با هفتاد حج می داند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۳).

این مراسم حتی در ایران هم با نام جاماندگان از اربعین در امامزادگان برگزار می شود. در شهر مقدس قم هم در ایام فاطمیه مراجع این مراسم را اجرا می کنند.

۷- پیاده روی

پیاده روی رسم و فرهنگ جدیدی نیست. در روایات می خوانیم که حضرت آدم بارها پیاده به زیارت خانه خدا رفته است (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۱، ص ۱۳۲). همچنین به دین و فرهنگ خاصی هم اختصاص ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۳۹). همان گونه که قیصر، پادشاه روم با خدا پیمان

بسته بود به شکرانه پیروزی در نبرد با امپراتوری ایران، از مقر حکومت خود (قسطنطنیه)، پیاده به زیارت بیت المقدس برود (سبحانی، ۱۳۴۹، ص ۶۹۶).

اهل بیت نیز کوشیده اند این سنت نیکو را به فرهنگ عمومی تبدیل کنند. چنین نقل شده است که امام حسن علیه السلام بیست و پنج مرتبه از مدینه با پای پیاده به زیارت خانه خدا رفتند و حتی تمام کاروان نیز به تأسی از ایشان از مرکب پیاده شدند؛ به گونه ای که دیگر سواره ای در کاروان وجود نداشت (حسینی فیروزآبادی، ج ۳، ص ۳۵۱).

امام صادق علیه السلام درباره زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده می فرمایند: هر که پیاده به زیارت او رود، هر گامی که بردارد و بگذارد، ثواب آزاد کردن بنده ای از اولاد اسماعیل را دارد (ابن قولویه، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳) و در روایت دیگری نیز می فرمایند: هر که پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود، خداوند متعال به عدد هر گام برای او هزار حسنه نوشته و هزار گناه را از او محو می کند (همانجا).

حاکمان حکومت های شیعی مانند حکومت آل بویه و صفویه، این سنت حسنه را بین شیعیان تبلیغ کرده اند. جلال الدوله، یکی از نوادگان عضدالدوله، در سال ۴۳۱ق، با فرزندان و جمعی از یاران خود برای زیارت، رهسپار نجف شده و از خندق شهر کوفه تا مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام را با پای برهنه پیمود (ابن الجوزی، ج ۸، ص ۱۰۵).

شاه عباس صفوی و علمای بزرگ عصر ایشان همچون مرحوم شیخ بهایی، برای رواج فرهنگ زیارت، در سال ۱۰۰۹ق، از اصفهان با پای پیاده به زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتند (راجر سیوری، ص ۹۷).

پیاده روی به قصد زیارت کربلا، از زمان مرحوم شیخ انصاری مرسوم بود. سنت پیاده روی از نجف برای زیارت امام حسین علیه السلام از نوآوری های ایشان است (نوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵). مرحوم آخوند خراسانی نیز به همراه اصحابشان با پای پیاده به زیارت کربلا مشرف می شدند (طهرانی، ۱۳۸۹، ص ۵۵۳). پس از دوره شیخ انصاری، این سنت فراموش شده بود تا اینکه محدث نوری، آن را احیا کرد (مظاهری، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰).

میرزاحسین نوری هر سال در روز عید قربان به همراه جمعی از زائران امام حسین علیه السلام، از نجف تا کربلا را سه روز می پیمودند (نوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶). سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی در کتاب تحقیق درباره اولین اربعین حسینی، راهپیمایی اربعین را سنت و رفتار مداوم شیعیان از زمان ائمه دانسته که در زمان بنی امیه و بنی عباس نیز به این حرکت پایبند بوده اند (فرهنگ زیارت، ش ۲۰، ص ۱۶۳).

این مراسم حتی در ایران هم از سوی مراجع تقلید عظام نهادینه شده است. برای نمونه ایام فاطمیه، بیوت مراجع قم چنین مراسمی را برپا می کنند و جاماندگان از اربعین نیز برنامه ای است که با پیاده روی به سمت امامزادگان اجرا می شود.

آثار تجمع اربعین حسینی در انتقال فرهنگ

فرهنگ اسلامی، تبلور کامل سعادت بشری و هدفش دستیابی به کمالی است که در پرتو آفتاب وحی حاصل می شود و معیار برتری افراد را نیز پرهیزگاری و پایبندی به اصول ثابت اخلاقی می داند.

فرهنگ اسلامی فرهنگی قدرتمند با پایه هایی استوار و در نتیجه ماندگار است. دلیل نابودی برخی فرهنگها را باید در توجیه نشدن عقلانی و کاربردی آن فرهنگها دانست. مرتضی مطهری در این باره می گوید:

فرهنگ اسلامی مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگهایی را از یونانی و هندی و ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به صورت موجود جدید با چهره و سیمای مخصوص به خود ظهور کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگترین فرهنگها و تمدنهای بشری است. (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۱۸)

فطرت با اثرگذاری بر بینش، گرایش، منش و کنش انسان، فرهنگ را پدید می آورد. آموزه های وحیانی و حکومتها نیز تأثیری همچون فطرت دارند. بر این اساس، فرهنگ که در بیرون وجود خارجی پیدا می کند فرایند نیست، بلکه برآیندی از سلسله فرایندهایی است که بر اثر کارکرد منابعی همچون فطرت، آموزه های وحیانی و حکومت پدید می آید.

یادگیری از آغاز تولد تا واپسین دم حیات، همراه انسان است. از این رو، فرایندی فراگیر است که در تمام عرصه های زندگی بشر وجود دارد. انسان با الگوبرداری رشد می کند، فرهنگ پیشینیان خود را می آموزد و به نسل های بعدی منتقل می کند. بر این اساس دین اسلام، انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه فوق روحانیت تربیت می کند.

در زمان پیامبر اکرم (ص) یادگیری دین تنها در دانستن آیات قرآن، تفسیری اندک از آیات و نقل احادیث رسول خدا (ص) خلاصه می شد؛ زیرا فرهنگ مردم بیش از این را بر نمی تابید. از یک مکتب نوپا با مشکلات بزرگ پیش رو، انتظاری فراتر از این نمی رفت.

باید گفت تعلیم و انتقال فرهنگ با احادیث امام باقر و امام صادق علیه السلام پی ریزی شد. روحانیت نیز در زمان ائمه اطهار به وجود آمد. آنان در نقش نمایندگان امامان به سرزمین های دور و نزدیک ممالک اسلامی سفر می کردند و به تعلیم و انتقال فرهنگ به مردم می پرداختند (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۵۳۰ و ۵۴۶).

نقش روحانیت در انتقال فرهنگ مانند نقش معلم است. حضرت امام بارها با تأکید بر این موضوع جایگاه معلم را همان جایگاه انبیا می داند: «نقش معلم در جامعه نقش انبیاست. انبیا هم معلم بشر هستند. نقش بسیار حساس و مهمی است و مسئولیت بسیار زیادی دارد. نقش مهمی که همان نقش تربیت است که

اخراج از ظلمات به سوی نور است» (سخنرانی در جمع رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۵۹/۴/۱۰).

اربعین مؤثرترین عامل مبادله فکری و فرهنگی برای هم افزایی عناصر سازنده سبک زندگی و فرهنگ اصیل اسلامی است. در این میان روحانیت می تواند با استفاده از این فرصت به بازگویی سیره پیامبر و اهل بیت ایشان پردازند و الگوهای دینی مناسبی را ترویج دهند.

حوزه و روحانیت باید در انتقال فرهنگ و زنده نگه داشتن ارزش های قیام امام حسین علیه السلام تلاش کنند. امام راحل = در این باره فرمودند: «این حوزه علمیه است که اسلام را تا حالا زنده نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند، از اسلام خبری نبود؛» (تبیان، بند ۷۲، ۹۲). روحانیت لازم است با پژوهش در عرصه اربعین، چالش های این تجمع را بشناسند و راهکارهای عملی برای آن عرضه کنند.

مقام معظم رهبری نیز در زمینه حضور روحانیت در عرصه های مختلف و صیانت از ارزش های دینی فرمودند:

روحانیان و علمای دین در طول قرن ها، تحریف را از ساحت احکام الهی دور کردند و شعله ایمان را در دل مردم برافروختند و آنان را با قرآن کریم و تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت آشنا ساختند (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷، ص ۴۰ و ۴۴).

در نتیجه باید گفت اربعین سرمایه ای اجتماعی است: در این فضا آموزش و انتقال فرهنگ شیعی، چهره به چهره، صورت می پذیرد. این راهپیمایی و مراسم نه یک راهپیمایی عادی، بلکه گردهمایی آموزشی بزرگ با رویکرد اخلاقی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که روحانیت در آن پایگاه اجتماعی ویژه ای دارند.

آنان مبلغان دین هستند و باید با رفتاری پدرانۀ انتقال دهنده فرهنگ رفتاری سیدالشهدا علیه السلام به جوانان شرکت کننده باشند.

آثار فرامذهبی بودن تجمع اربعین حسینی

مذهب در لغت معانی گوناگونی دارد: طریقه و روش، رأی و اعتقادی که بر اساس آن فعلی را انجام می دهند (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۷۵).

در اصطلاح ادیان، اعتقادی که بر اساس آن فعلی انجام می گیرد را مذهب می گویند. مذهب معمولاً کاربردش اخص از دین است؛ یعنی دین عام است و مذهب خاص. دین مبین اسلام عام است و شامل همه فرقه های اسلامی می شود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۲۰).

آموزه های پیامبران و انبیای الهی، از آدم تا خاتم، همه در یک مسیر، با یک هدف و از یک ریشه بوده اند. توحید، تمام یکتاپرستان را متحد می کند؛ به گونه ای که تمام افراد با پذیرش بندگی خدا، در حقوق و تعهدات برابر می شوند. بندگی حقیقتی است که همه را به هم پیوند می دهد.

خداوند به پیامبرش (ص) می فرماید: «نفرستادیم تو را مگر برای رحمت جهانیان» (انبیاء: ۱۰۷) رحمت نبوت پیامبر اسلام (ص) عمومی است. تمام انسان ها را در بر می گیرد و همه را تحت لوای توحید درمی آورد و تمام امتیازات را از بین می برد (همان، ص ۶۹).

به رسمیت شناختن افکار گوناگون و سلیقه های بشری را باید نخستین و چه بسا مهم ترین گام و مبنای وحدت طلبی به شمار آورد. این اصل فراگیر اگر به گونه ای صحیح در چارچوب مشترکات مذهبی و اصول اخلاقی قرار گیرد، نه تنها از درگیری های اجتماعی جلوگیری می کند، بلکه زمینه وحدتی پویا را به همراه رشد فکری جامعه فراهم خواهد ساخت.

اربعین یک فراجمعه است و می توان در آن، به یک فهم مشترک از توحید و معاد باوری رسید. تبیین منطقی اربعین سبب همدلی و جلب محبت با دیگر ادیان خواهد شد.

به نظر حکیم طوسی، طالب محبت به دنبال انس و اتحاد با چیزی است که از دیدگاه او کمال است؛ زیرا شرافت و ارزش هر چیز به اندازه وحدتی است که نصیب او می شود. پس محبت به معنای طلب شرافت و فضیلت و کمال است (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۸).

امام حسین علیه السلام امام قلوب است و این محبت در عمق دل های هر مؤمنی قرار دارد. شهادت امام نیز چنان حرارت و گرمایی در قلب های محبان

ایشان ایجاد کرده است که هرگز خاموش نخواهد شد؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ برای شهادت امام حسین علیه السلام در قلوب مؤمنان حرارتی ایجاد شده که هرگز سرد نخواهد شد» (نوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۱۸).

بی تردید، این حرارت و محبت، برآمده از جنبه فطری و توحیدی قیام عاشورا و جایگاه خاص امام حسین علیه السلام در اصلاح مسیر جامعه انسانی است. امام حسین علیه السلام را باید نماد عزت و آزادگی و محور حق طلبان جهان دانست. به همین دلیل، آن حضرت، شخصیتی جهانی است و می تواند الگوی همه حق طلبانی باشد که در برابر ظلم و ستم می ایستند و به احیای عزت انسان و عزتمندی دین می اندیشند.

شرایع نیز مردم را در اجتماعات به آن ترغیب کرده اند؛ زیرا در اجتماع است که انس و محبت از قوه به فعلیت می رسد و انسان ها می توانند با یکدیگر انس بگیرند تا اینکه کم کم از درجه انس به درجه محبت برسند (همان، ص ۲۶۴-۲۶۵). نمونه برجسته آن نیز در تجمع اربعین به کمال می رسد که نه تنها سبب یکدلی مؤمنین، بلکه باعث همدلی تمام مسلمین شده است.

مهم ترین عامل در انسجام بخشی را می توان در محبت به امام حسین علیه السلام دانست. برخی اندیشمندان با الهام از تفکر اسلامی، می گویند که می توان با تاکید بر یک محبوب واحد سبب ایجاد احساس محبتی واحد در افراد شد و نظام ارتباطی جدیدی بر پایه محبت ایجاد کرد. شاید اساس تمام

ارتباطات اربعین این گونه است؛ یعنی ارتباطات چهره به چهره است که بر پایه باورها و محبت به سیدالشهدا شکل می گیرد و درعین حال، هرسال در حال تقویت است. در ارتباطات اربعین، دریافت بازخورد کنشگران، سریع و آنی است و بر اساس زبان بدن شکل می گیرد که ارتباطی دوسویه است. لازم است با انجام پژوهش هایی عمیق، این ارتباطات بر محور سیدالشهدا علیه السلام مدیریت شود.

توجه به افراد ناتوان نیز یکی از مواردی است که نمونه هایی از آن را در مراسم اربعین می توان دید. زائران در این ایام به افراد ناتوان، در راه مانده، سالمندان و کودکان کمک می کنند تا از این پیاده روی خاطره های خوش در ذهن داشته باشند.

آثار فرهنگی اربعین حسینی در تقویت باورهای شیعی

دین گرایی و نقش و تأثیر بی بدیل دین در طول تاریخ حیات فردی و اجتماعی بشر، بر کسی پوشیده نیست. عمده ترین رسالت پیامبران، امامان معصوم: و تلاش های دانشوران و مصلحان اجتماعی، همواره حول محور دین بوده است. نیاز شدید جامعه جوان ما به توسعه فرهنگ دینی و نهادینه سازی فضایل و کرامات انسانی، تعیین و تبیین راه های تقویت باورهای دینی را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است، به طوری که پویایی و کارآمدی نظام اسلامی به

ویژه در عرصه فرهنگ، در گرو تقویت باورهای دینی و توسعه اخلاق و فضایل انسانی است که باید به آن توجه شود.

برای اعتماد به نفس، راه هایی وجود دارد که انسان با پیمودن آنها، در این مسیر به موفقیت دست خواهد یافت. مجالس مذهبی، روضه خوانی، عزاداری و مراسمی مانند اربعین حسینی و راهپیمایی مراجع تقلید قم در ایام فاطمیه، از دیگر امکانات دینی برای تقویت باورهای اعتقادی جامعه به شمار می رود.

خودباوری فرهنگی، نوعی نگرش فرد نسبت به فرهنگ جامعه خویش است. اگر این نگرش مثبت باشد، آن را خودباوری فرهنگی و اگر منفی باشد، خودباختگی فرهنگی گویند. خودباوری یا خودباختگی به وسیله جامعه، کارگزاران، ابزارها، رسانه های انتقال فرهنگ و فرایندهای جامعه پذیری به فرد آموخته می شود. پرسش این است که نگرش خودباوری چگونه به خودباختگی تبدیل می شود.

به ادعای رابرتسون اسمیت، آدمیان به مناسک بیشتر توجه دارند؛ زیرا مناسک دو ویژگی مهم دارند: تنظیم کننده و برانگیزاننده؛ یعنی تنظیم کننده رفتار فردی و برانگیزاننده احساس اشتراک و وحدت اجتماعی هستند (اسمیت فلیپف، ۱۳۸۸، ص ۹۶). دورکیم به جنبه ای دیگر از مناسک می پردازد. به استدلال وی، از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی قدرت اخلاقی جامعه آشکار و از همین راه، باورها تقویت و تجدید می شود. در دیدگاه دورکیم، مناسک به همان اندازه ضروری اند که خوراک برای نگه داشتن زندگی جسمانی لازم

است. از نظر ایشان، انجام دادن دسته جمعی هر کاری، به منزله بیان احساسات مشترک در قالب یک کنش جمعی است که نوعی از نقش یکپارچه سازی مفاهیم مذهبی است، حتی اگر عمل کننده به آن خود واقف نباشد (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۱۷۰-۱۸۶؛ دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۵۶۸).

حتی مفاهیمی چون آرمان گرایی در جریان برگزاری مراسم دسته جمعی پدیدار می شود؛ یعنی در اثر برانگیختگی ایجاد شده در مراسم، مشارکت کنندگان چنین حالتی را به قدرت و کیفیت خارق العاده ای نسبت می دهند و از همین رهگذر مفهوم امر مقدس پدید می آید (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۵۷۰).

هر نوع عمل انجام شده در مناسک مذهبی، برای هدفی غایی در نظر گرفته می شود. در آداب شیعیان امامیه، زیارت اربعین، توسل، شفاعت، تشفی، نماز جماعت، وقف، نذر، اعتکاف، قربانی کردن، صدقات، جشن ها و آیین های عزاداری و سوگواری نمونه هایی از این مناسک هستند که بیشتر گروهی است. مجموعه ای از کارهایی که جان مک کوری برای توصیف آنها از تعبیر «بزرگداشت شعور جمعی» استفاده می کند (واخ، ۱۳۸۰، ص ۲۸).

در واقع، کنش های دینی با ایجاد شرایط برابر و یکسان برای همه افراد مشارکت کننده، روح تعاون و مددکاری اجتماعی را در آنها تقویت می کنند و بزرگداشت شعور جمعی، توصیف مناسبی برای این حالت است. چنان که ترنر در کتاب روند مراسم مذهبی بر این عقیده است که شرکت در یک مراسم مذهبی، فرد را از موقعیت دنیوی مانند تفاوت های جنس، طبقه و نژاد جدا می

کند و همسان‌گرایی و مساوات‌طلبی را بین آنان به وجود می‌آورد (مک لولین، ۱۳۸۳، ص ۳۹-۴۰).

این مفهوم مقدس، همان نقش غیبی داستان امام حسین علیه السلام در عالم است که با عبارت «ان فی قتل الحسین علیه السلام حراره فی قلوب المومنین لا تبرد ابداً» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۳۱۸) بر آن تاکید شده است. امام حسین علیه السلام با قیام عظیم خود نشان داد که تنها در کنار هم بودن دلیل کافی و کاملی برای انسجام اجتماعی در امت اسلامی نیست. بلکه قوام و هویت امت اسلامی و جامعه فاضله، به باورها و ارزش‌های توحیدی و فطری است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱).

بی شک، یکی از اهداف بسیار مهم در قیام امام حسین علیه السلام اقامه احکام شریعت و تقویت باورها و سنت‌های دینی بود؛ زیرا در بسیاری از زیارتنامه‌های آن حضرت می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ». بر این اساس، زمانی که شرکت‌کنندگان در تجمع اربعین می‌خواهند محبت خود را به امام حسین علیه السلام نشان دهند، می‌کوشند رفتارشان چنان باشد که محبوب می‌خواهد و اگر کسی به حقیقت نهضت امام حسین علیه السلام پی‌ببرد، درمی‌یابد که عمل به آموزه‌های دین و احکام شریعت از اهداف اصلی قیام بوده است. بنابراین، نتیجه حضور در مراسم‌های عزادارای امام حسین علیه السلام و راهپیمایی اربعین،

تقویت دینداری و التزام بیشتر به رعایت احکام شریعت است که تقویت انسجام و وفاق عمومی را در پی خواهد داشت.

تجمع اربعین مانند پلی میان افراد جامعه و باورهای آنها عمل می کند و آنان را از تعلقشان به یک کل آگاه می سازد. این پیام های ارتباطی در اربعین، ضمن تقویت عقاید کنشگران شیعه کنشگران دیگر را با باورهای شیعیان آشنا می کند.

آثار اربعین حسینی در زمینه سازی جامعه مهدوی

مراسم پیاده روی اربعین که با حضور عاشقانه و خالصانه دوستان اهل بیت:، فارغ از هر ملیت و زبان انجام می گیرد، یکی از بهترین فرصت های آشنایی شیعیان جهان با بحث مهدویت است. این مراسم در قالبی ساده و عاری از هرگونه خشونت و تعرض به دیگر فرق اسلامی، اقتدار شیعیان را به نمایش می گذارد و نمونه عینی حکومت جهانی امام عصر(عج) در زمانه ماست.

پیام اربعین حسینی، پیام پیروزی حق بر باطل و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با قدرت های استکباری است. اربعین، بزرگ ترین تجمع جهان در طول تاریخ بشریت است. برافراشتن پرچم سیدالشهدا علیه السلام در میان پیروان ادیان و مذاهب و همه قومیت ها، مقدمه بسیار مهمی برای ظهور آخرین ذخیره الهی، مهدی موعود و منجی مستضعفان جهان است.

می دانیم که در روایات اهل تسنن و شیعه آمده است که امام زمان [در آغازین لحظات ظهور، میان رکن و مقام می ایستد و پنج ندا می دهد و امام حسین علیه

السلام را معرفی می کند. در روایات می خوانیم که همه انسان های زنده در آن روز، ندای حضرت را می شنوند و او را می شناسند. پس نتیجه می گیریم پیش از ظهور باید همه بشریت از شرق تا غرب عالم، امام حسین علیه السلام را بشناسند که این تجمع جهانی، زمینه مناسبی در راستای آن شناخت است.

امروزه با نفوذ سبک زندگی غربی به کشورهای اسلامی، تحقق امت اسلامی بسیار دور از ذهن است. برای رفع این مشکل باید به ترویج سبک زندگی اسلامی روی آورد و در این میان تجمع اربعین ظرفیت آموزشی بالایی دارد.

در واقع سبک زندگی است که به فرد، خانواده یا جامعه، هویتی خاص می بخشد. از این نظر سبک زندگی، مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره فرد و برآورنده حاجات و نیازهای مادی و معنوی اوست که مصرف، معاشرت، پوشش، بیان و سخن گفتن، تفریح، اوقات فراغت، خوراک، شهرسازی، آداب دینی و مناسک مذهبی عبادی و... را شامل می شود و نشانه ای روشن از عقاید، باورها، ارزش ها و علایق ماست که ترکیب آنها، هویت شخصی و اجتماعی ما را می نمایاند (مجله اینترنتی سبک زندگی. ۲۰ مهر ۱۳۹۲).

شاید بتوان با نظری دقیق، سه رکن اصلی یک تمدن را «نظام گرایش، نظام اندیشه و فرهنگ، سبک زندگی و نظام محصولات» دانست که با یکدیگر زمینه تمدن مهدوی را شکل می دهند. بسیاری از دیدگاه ها، فرهنگ را روح و پایه اصلی تمدن می دانند. در این باره باید گفت اگرچه فرهنگ پایه و اساس شکل

گیری عینیت های تمدنی است و تمامی الگوها، مدل ها، ساختارها و دانش ها و علوم در بستر «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» شکل می گیرند، اما فرهنگ خود در بستر نظام گرایش ها، تمایلات، عاطفه ها و اخلاق اجتماعی ظاهر می شود و در سبک زندگی و محصولات تمدنی بروز پیدا می کند.

در منطقه خلیج فارس، همبستگی اجتماعی و انسجام خاصی وجود دارد که دلیل آن تمرکز شیعیان در این منطقه است (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۹۸). تجمع اربعین در منطقه خلیج فارس، اهدافی مانند شکل گیری اجتماع یکپارچه مسلمین بر مبنای ارزش های اسلامی را تقویت می کند تا بتواند با عوامل نابودکننده جامعه اسلامی و دسیسه های دشمنان به مقابله برخیزد. اربعین جامعه ای قرآنی را نوید می دهد که همه در آن به ریسمان الهی چنگ می زنند تا متفرق نشوند.

نتیجه گیری

پیاده روی اربعین، عظمت مکتب اهل بیت: را نشان می دهد که خون تازه ای در قلوب مؤمنان به جریان انداخته که با تبلیغات رسانه های بیگانه مقابله می کند.

اربعین در بطن خود، ارزش ها و فرهنگ های والایی همچون شجاعت، مبارزه با فساد و ظلم ستیزی را به همراه دارد.

اربعین به صورت خودجوش به وجود آمده و این عشق و ارادت مردم به امام حسین علیه السلام این شور حسینی را پدید آورده است. بنابراین، این ظرفیت برای ترویج دین و افزایش فهم دینی و ارتقا فرهنگی مردم مفید است و همچنین در انتقال ارزش‌ها و ایجاد وحدت میان مسلمانان نقشی حداکثری دارد.

راهپیمایی باشکوه اربعین حسینی با ارائه الگویی جدید از همبستگی، هم زیستی و یکسان سازی فرهنگی با محوریت تعالیم شیعه در عصر جهانی شدن، توانسته با خلق هویتی جدید و قدرتمند، باعث سربلندی جهان اسلام در نظام بین الملل کنونی شود.

در اربعین اوج تبلور عقلانیت شکل گرفته که این خود از امتیازهای فرا دینی بودن آن است.

مراسم اربعین، شناسنامه شیعه در تمام دنیاست که می توان از ظرفیت آن برای شکوفا شدن بسیاری از ظرفیت های دیگر نهضت حسینی استفاده کرد.

در جامعه شکل گرفته بر پایه عشق واحد، وحدت اجتماعی با هدفی متعالی شکل می گیرد. این وحدت در اربعین سبب تجدید هویت، خودیابی و خودشکوفایی شیعیان شده و فاصله میان دو ملت اسلامی ایران و عراق را کم کرده است. همچنین همدلی مردم کشورهای دوست، عراق، ایران و سوریه و

گروه های جهادی، همچون حزب الله لبنان و سنی های محب اهل بیت را در پی داشته است.

نخستین و مهم ترین عاملی که مردم را از نقاط گوناگون عالم به مراسم اربعین می کشاند، عنصر عشق و محبت به امام حسین علیه السلام است. همه امت اسلامی حاضر در مراسم اربعین، نظام ارتباطات خود را بر محور عشق و محبت به امام حسین علیه السلام تعریف و صورت بندی می کنند. در چنین جامعه ای که بر پایه معشوق و محبوب واحدی شکل می گیرد، همهٔ منیت ها و تکثرها رنگ می بازد و در پرتو هدف متعالی و عشق برتر و وحدت اجتماعی حاکم می شود.

بنابراین، با توجه به وجود تکثرها و تفاوت ها، افراد به جای فردگرایی و نزاع، به انسجام و هم گرایی روی می آورند و برای رسیدن به معشوق واحد، به یکدیگر محبت می ورزند. همچنین در کنش ها و تعاملات اجتماعی، رقت نفسانی و لطافت روحی و مهربانی را حاکم می کنند تا در واقع خود را امت واحده و تحت یک فرهنگ ببینند.

بزرگ ترین تجمع انسانی (اربعین) در شکل دهی سبک زندگی مهدوی و نزدیک کردن فرهنگ های مختلف به فرهنگ اصیل اسلامی بسیار مؤثر بوده است. اربعین می تواند مؤثرترین عامل محاوره و مبادله فرهنگی و فکری و محلی برای طرح سبک زندگی مهدوی و فرهنگ اصیل اسلامی، در همه زمینه

های زندگی باشد که ضمن به نمایش گذاردن مناسک شیعی، نمونه عینی حکومت جهانی امام عصر[است که در زمان ما تبلور خارجی پیدا کرده است.

زیارت اربعین اعلام پیام سیدالشهدا علیه السلام و تجدید عهد با او و ولایت اهل بیت: است. برافراشتن پرچم لبیک یا حسین علیه السلام؛ زنده شدن پیام صلح جهانی و نوع دوستی و انتقال فرهنگ عاشورایی را در پی خواهد داشت. این موج عظیم انسانی، سبب الهام بخشی به آزادی خواهان جهان و تقویت باور کنشگران و زمینه سازی نهضت جهانی امام زمان علیه ظلم و استبداد و بی عدالتی باشد.

مراسم اربعین نمونه رهایی از تعلقات و تمرین مشق ایثار و گذشت و دیگر اصول اخلاقی در سبک زندگی مهدوی است. مراسم اربعین در درون خود، تکثر فرهنگی را به رسمیت می شناسد و افراد مختلف را با هر خرده فرهنگ و لهجه زیر یک پرچم، گرد هم می آورد.

فرهنگ سازی سبب می شود تا مراسم پیاده روی اربعین حسینی به منزله یک حرکت عقلانی و خودجوش در کنار احیای ارزش های فطری، شناخت بهتری از نهضت امام حسین علیه السلام به جهان مخابره کند. همچنین به افشای سیاست های استکباری، ظالمانه و ضد انسانی امریکا و هم پیمانانش در منطقه غرب آسیا خواهد انجامید.

مهم ترین عامل در انسجام بخشی، عشق و محبت به امام حسین علیه السلام است که مردم را از نقاط گوناگون عالم به مراسم اربعین می کشاند. انعکاس این محبت در قالب هنر و رسانه بسیار ضروری است. از سویی لازم است با برنامه ریزی و شناخت چالش ها، از انعکاس نقاط ضعف جلوگیری کنیم. در این زمینه آموزش رعایت بهداشت به موکب داران و کنشگران بسیار ضروری است.

در زمینه انتقال فرهنگ لازم است تا عوامل سیاست گزار و موکب داران در کنار پذیرایی به بحث انتقال فرهنگ هم توجه کنند؛ هرچند که نحوه برخورد موکب داران با کنشگران، خود می تواند نقش تربیتی و فرهنگی بسیاری داشته باشد.

در این تجمع، نقش ولی فقیه بسیار مهم است. وجود رهبر، کیفیت حضور مردم در این تجمع را بالا می برد و بحث های قومیتی و اختلافی رنگ می بازد. همچنین زمینه آشنایی سیاستمداران اسلامی با این تجمع فراهم می آید. از نقش مراجع هم در هویت بخشی و نظم دهی به این تجمع نمی توان چشم پوشید. که به صورت خاص می توان به نقش آیت الله العظمی سیستانی اشاره کرد.

از دیگر شاخصه ها در این تجمع می توان به بحث شکل گیری نمونه ای از جامعه مهدوی در این زمان اشاره کرد، این تجمع به دلیل دارا بودن اکثر فاکتورهای جامعه جهانی امام زمان]، می تواند افکار عمومی جهان را به حکومت صلح آمیز منجی آخرالزمان متوجه سازد.

این مراسم در قالبی ساده، ملایم و نرم و عاری از هرگونه خشونت و تعرض به دیگر فرق اسلامی، شیعیان را امتی مقتدر و با صلابت نشان می دهد و نمونه عینی و بارزی از حکومت جهانی امام عصر است که در زمان ما تبلور خارجی پیدا کرده است. با استفاده از دعوت نخبگان و اندیشمندان برتر دنیا به این تجمع و تسهیل در حضور آنان می توان در شناساندن این تجمع قدم مؤثری برداشت.

ارزش ها و باورها در پرتو شرکت در آئین ها و مناسک تبلور عینی پیدا می کنند. بنابراین برای نسل جوان جذابیت دارند و سبب حضور پرشور جوانان در این نوع از آئین ها می شوند. اربعین، فرصتی برای تقویت باورها و انتقال فرهنگ هاست؛ بنابراین نقش روحانیت در رهبری این واقعه، بسیار اهمیت دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم، بر اساس ترجمه تفسیر المیزان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی

آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۹). تاریخ فلسفه در جهان اسلام.

ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد (۱۳۷۹). فرحۃ الغری، تهران، مرکز نشریات مکتوب.

ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۹۰). کامل الزیارت، ترجمه سیدعلی حسینی، تهران، اندیشه مولانا.

احمدی، حمید (۱۳۹۰). زائر یا توریست، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.

بهار، قراخانی (۱۳۸۱). یک سیستم کامل کاربردی: شامل برنامه ها و پایگاه های اطلاعاتی سیستم و برنامه های ورود اطلاعات، نشر آفا.

بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان.

ترنر، برایان (۱۹۸۲). دین چیست، ترجمه علی بهرام پور و حسن محدثی، تهران.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶). نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت.

جعفریان، رسول (۱۳۸۹). صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جی سی، الکساندر (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی دیدگاه های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاه پوش و احمدرضا غروی زاد، تهران، معاصر.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۱). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربیه.

حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹). روح مجرد، مشهد، علامه طباطبایی.

حسینی فیروزآبادی، سیدمرتضی (۱۳۹۲ق). فضائل الخمسه من الصحاح الستة، تهران، اسلامیة.

دادگران، سیدمحمد (۱۳۸۹). مبانی ارتباطات جمعی، تهران، فیروزه مروارید.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳). قواعد روش در جامعه شناسی، ترجمه علی محمد
کاردان، تهران، دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶). لغت نامه دهخدا، تهران.

رودنبولر، اریک دبلیو (۱۳۸۷). ارتباطات آیینی، ترجمه عبدالله گیویان و ابراهیم
حقیقی، دانشگاه امام صادق.

ریتزر، جورج (۱۳۸۰). نظریه های معاصر در جامعه شناسی، ترجمه محسن
ثلاثی، تهران، علمی.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران،
دانشگاه تهران.

سبحانی، جعفر (۱۳۴۹). فروغ ابدیت، تهران، کتابفروشی رشنو.

شاه محمدی، عبدالرضا (۱۳۸۵). فرهنگ علوم ارتباطات، تهران، زرباف.

شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی
(وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).

فارابی، ابونصر (۱۳۵۱). زندگی و شرح حال علمی و فکری ابونصر فارابی، تهران.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، تهران، نی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، گلگشت.

کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه های بزرگان جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نی.

مایرز، گیل. ای (۱۳۸۳). پویایی ارتباطات انسانی، ترجمه حوا صابرآملی، دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴). بحار الانوار، ترجمه علی دوانی، قم، دار الکتب الاسلامیه شیخ محمد آخوندی.

محرمی، غلامحسین (۱۳۸۸). تاریخ تشیع از آغاز غیبت صغری، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۷). ارتباط شناسی، تهران، سروش.

محمدی، مجید (۱۳۷۹). نظام های اخلاقی در اسلام و ایران، تهران، کویر.

معمدنژاد، کاظم (۱۳۵۶). روش تحقیق در محتوی مطبوعات، تهران.

معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ لغت فارسی، تهران، سپهر.

مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷-

مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه های ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

موسوی بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۵۴). دانشنامه ایران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مهدی، نوید (۱۳۷۵). فرهنگ و مقاومت فرهنگی، تهران، نی.

مهدی زاده، محمد (۱۳۸۸). نظریه های رسانه، اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی، همشهری.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۷۵). مستدرک الوسائل، تحقیق موسسه آل البیت: لاحیاء التراث، قم.

هاجستن، برنت فرنسیس (۱۳۸۲). باغ راز، ترجمه شهلا ارژنگ، تهران، نشر مرداد.

همیلتون، ملکلم (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تبیان.

هینز، جانف آر (۱۳۸۵). فرهنگ ادیان جهان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

